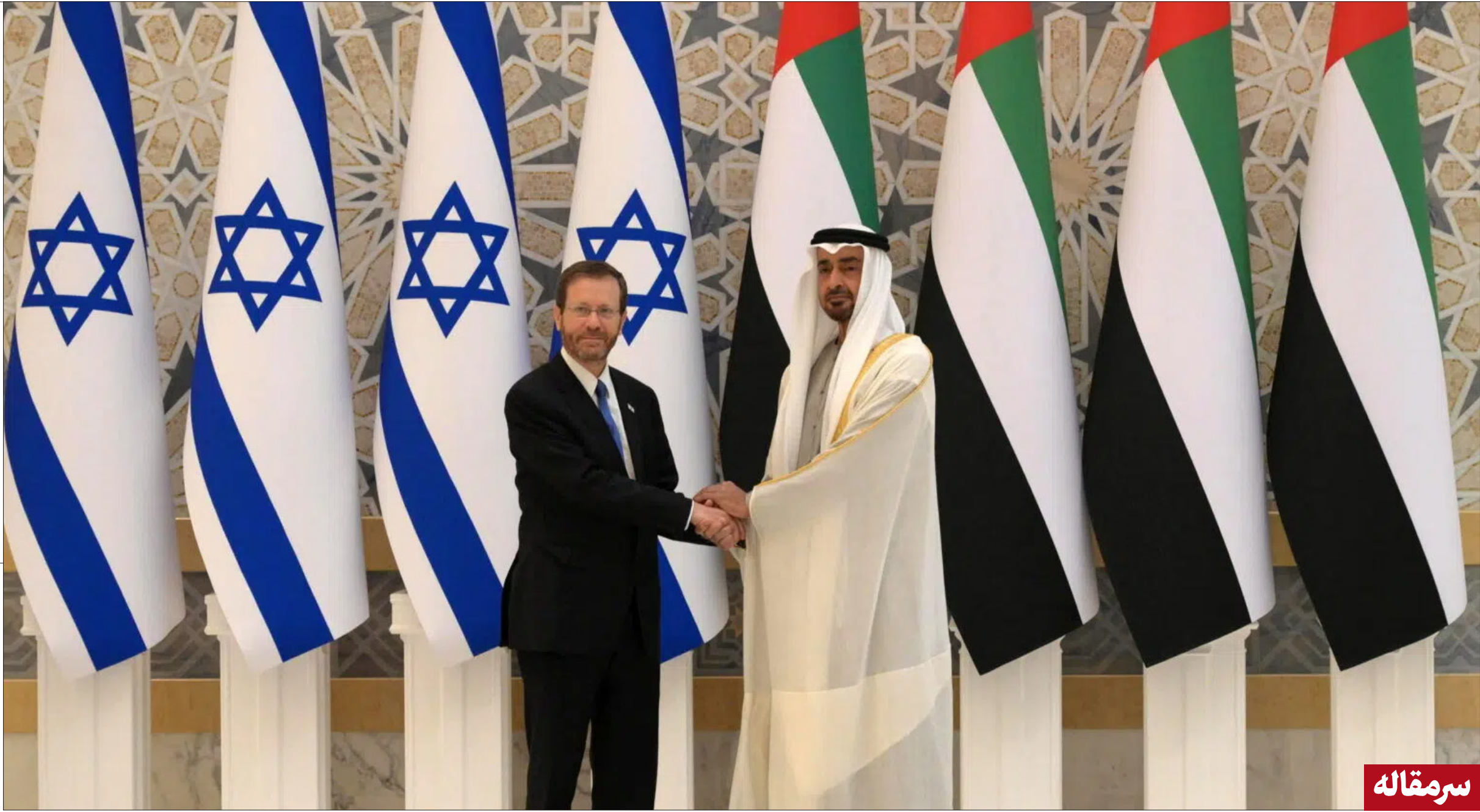




بررسی رفتارهای بی‌ثبات‌کننده امارات علیه جهان اسلام

نسخه عربی اسرائیل



سرمقاله

گرفته است؛ تصویری که امارات را نه به عنوان یک شریک، بلکه به عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده می‌بیند. تداوم این رویکرد پرهزینه از سوی امارات، نه تنها امنیت منطقه‌ای را با چالش مواجه کرده، بلکه به تدریج بنیان‌های اقتصادی خود این کشور را نیز تحت فشار قرار داده است. افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، نقش آفرینی در تنش‌ها و پیوند خوردن با پروژه‌های امنیتی پرهزینه، باعث شده بخش زیادی از سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به ثبات بلندمدت این کشور دچار تردید شوند و آن را دیگر به عنوان یک محیط امن و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری ارزیابی نکنند و در حال فرار از امارات هستند. امارات با توهم تکیه بر امنیت عاریه‌ای و وارداتی، بسیار فراتر از وزن واقعی خود در حال ایفای نقش در معادلات پیچیده منطقه‌ای است؛ رویکردی که هزینه‌زا و فرسایشی است. ادامه این مسیر می‌تواند این کشور را آماج شدیدترین حملات قرار داده و حتی به قیمت نابودی کامل توانایی این کشور باشد. به نظر می‌رسد تنها راه برون‌رفت، بازگشت به عقلانیت، کاهش مداخلات و پرهیز از قرار گرفتن در صف بندی‌های پرتنش است؛ پیش از آنکه تبعات این سیاست‌ها، امارات را به زمانی برگرداند که هیچ نشانی از رونق و رفاه اقتصادی نبود و این کشور با بیابان‌های شناخته می‌شد. ■

می‌دهد. این الگورا می‌توان در سایر عرصه‌ها نیز مشاهده کرد. از لیبی گرفته تا شاخ آفریقا، امارات در حمایت از بازیگران خاص و مداخله در معادلات داخلی کشورها، مداخله نظامی و امنیتی کرده است؛ نقشی که به پیچیده‌تر شدن بحران‌ها و تشدید ناامنی منجر شده است. در تحولات اخیر منطقه، نقش امارات دیگر در حد گمانه‌زنی و روایت‌های متناقض باقی نمانده، بلکه به عنوان یک واقعیت تثبیت‌شده قابل ارزیابی است. در جریان تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، امارات به طور آشکار به بستری برای هماهنگی‌های امنیتی و اجرای عملیات‌های اطلاعاتی علیه تهران تبدیل شده و زیرساخت‌های خود را در اختیار این محور قرار داده است. این کشور عملاً به یکی از گره‌های کلیدی در شبکه اقدامات اطلاعاتی و امنیتی علیه ایران بدل شده و نقش آن در تسهیل فعالیت‌های جاسوسی و پشتیبانی از سناریوهای ضدایرانی دیگر قابل انکار نیست. در حقیقت، با این نوع کنشگری امارات باید گفت که این کشور به نسخه عربی اسرائیل بدل شده است؛ بازیگری با اتکال بالا به قدرت‌های خارجی، با استقلال محدود در تصمیم‌گیری‌های راهبردی و با نقش آفرینی فعال در پروژه‌های مهار و فشار بر کشورهای اسلامی. در این میان، آنچه اهمیت دارد، تصویری است که در افکار عمومی منطقه شکل

متحده‌ی عربی هم به دنیای اسلام خیانت کرد، هم به دنیای عرب خیانت کرد، هم به کشورهای منطقه خیانت کرد، هم به مسئله‌ی مهم فلسطین خیانت کرد. این کاری که اماراتی‌ها کردند، لگه‌ی ننگی است؛ البته این از بین خواهد رفت، لکن این لگه‌ی ننگ بر پیشانی کسانی که این اقدام را امروز انجام دادند خواهد ماند. ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

اما پرونده امارات به همین جا ختم نمی‌شود. در بحران یمن که از سال ۲۰۱۵ به یکی از پیچیده‌ترین و دردناک‌ترین منازعات منطقه‌ای تبدیل شد، نقش امارات به شدت مخرب بوده است. مشارکت فعال در ائتلاف نظامی، حمایت از نیروهای نیابتی و حضور میدانی در مناطق جنوبی یمن، همگی بخشی از کارنامه‌ای هستند که با پیامدهای انسانی گسترده همراه بوده‌اند؛ بحرانی که باعث شهادت ده‌ها هزار یمنی و به حطی کشاندن میلیون‌ها نفر شده است. افزون بر این، حضور امارات در برخی جزایر و بنادر راهبردی یمن، از جمله در سواحل جنوبی و جزایری مانند سقطری، در راستای پروژه‌ای کلان بود. این حضور با هدف کنترل مسیرهای دریایی و تثبیت نفوذ ژئوپلیتیکی صورت گرفت. در این میان، اسنادی نیز از همکاری‌های امنیتی میان امارات و اسرائیل در این مناطق منتشر شده که هم‌راستایی فزاینده با سیاست‌های تل‌آویوو و واشنگتن در یمن را نشان

امارات یکی از بازیگرانی در منطقه خلیج فارس است که همواره سعی کرده از حالت یک بازیگر عادی و مستقل خارج شده و خود را به عنوان کشوری دست‌نشانده و کاملاً تابع اوامر دیگر قدرت‌ها معرفی کند. همین مسئله پیامدهای منفی زیادی برای امنیت منطقه‌ای به همراه داشته است. امارات می‌توانست به واسطه موقعیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود به پلی برای همکاری‌های منطقه‌ای تبدیل شود، اما در عمل در مسیر معکوس حرکت کرده و به بازیگری مسئله‌ساز بدل شده است. یکی از نقاط عطف این روند، نوع مواجهه ابوظبی با مسئله فلسطین است؛ مسئله‌ای که برای دهه‌ها معیار سنجش همبستگی جهان اسلام تلقی شده است. تصمیم امارات برای عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل در قالب توافقی‌های ابراهیم، شکافی جدی در اجماع جهان عرب درباره فلسطین ایجاد کرد. این اقدام در زمانی صورت گرفت که نه اشغال پایان یافته بود، نه حقوق فلسطینیان به رسمیت شناخته شده بود و نه حتی افق روشنی برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی وجود داشت. در چنین شرایطی، این عادی‌سازی عملاً به معنای نادیده گرفتن حداقل‌های حقوقی و سیاسی ملت فلسطین تلقی شد و به تعبیر بسیاری از ناظران، نوعی «پاداش دادن» به اشغال بود. رهبر شهید انقلاب اسلامی در سال ۹۹ در همین ارتباط تأکید کردند: «دولت امارات

سخنی با **پرهیز**

آن شب که نجوای نماز روزه‌داران با استغاثه شد قرین و در دعافرت، وقتی خیرها اضطراب‌آلود بودند، وقتی صدای هلله تا کوچ‌ها رفت، صوتی حزین «انا الیه راجعون» خواند؛ در آن سحر «سید علی» سوی خدافت. چشمی ندیدش با

آخرین صحبت یک **هموطن ایرانی** خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

تورق

رمز صعود و سقوط قدرت‌ها

کتاب «در آغوش نیل» تازه‌ترین کتاب منتشر شده در حوزه اندیشه‌ی رهبر شهید انقلاب است که در حقیقت نگاه ایشان به موضوع سنت‌ها و وعده‌های الهی را تبیین می‌کند.

سنت‌های الهی از اساسی‌ترین موضوعات قرآنی در نظام فکری رهبر شهید انقلاب و موضوعی بسیار مهم برای فهم تحولات جوامع انسانی و کشف رمز پیروزی‌ها و شکست‌های جوامع و حکومت‌هاست. منظور از سنت‌های الهی، قوانینی هستند که از طرف پروردگار ایجاد و وضع شده‌اند و خداوند اراده‌ی خود را از طریق این قوانین در حرکت تاریخی جوامع اعمال می‌کند. براساس آموزه‌های اسلامی عمل بر طبق سنت‌های الهی عامل پیروزی و اعتلا و حرکت برخلاف آنها، عامل شکست و سقوط است. یکی از بنیادی‌ترین مبانی فکری و ایمانی رهبر شهید انقلاب در راهبری جامعه و حکومت اسلامی و مبارزه با کفر و استکبار جهانی اتکا به سنت‌های الهی و ایمان به صدق وعده‌های الهی بوده است. این کتاب توسط انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب منتشر شده است.

قاب

یک ایران همدل است

فعالیت گروه جهادی شهید ابراهیم هادی برای کمک به آسیب‌دیدگان جنگ تحمیلی سوم

جنگ منطقه‌ای

همسایگان جنوبی، در بزنگاه انتخاب

در میانه تحولات پرشتاب منطقه، پیام رهبر انقلاب خطاب به همسایگان جنوبی، واجد یک هشدار راهبردی و در عین حال دعوتی صریح به بازنگری در معادلات امنیتی است. ایشان با تأکید بر اینکه «شما در حال دیدن یک معجزه هستید»، از دولت‌های منطقه می‌خواهند واقعیت‌های میدانی را بدون خطای محاسباتی درک کرده و «در جای درست بایستند». این پیام، در بستر تجربه‌های اخیر منطقه‌ای، معنایی روشن دارد: اتکای برخی دولت‌های حاشیه خلیج فارس به قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه تنها امنیت‌آفرین نبوده، بلکه آنان را در معرض تحقیر و استثمار قرار داده است. حضور پایگاه‌های نظامی و مالی بیگانگان، بیش از آنکه سپردفاعی باشد، به ابزاری برای سلطه تبدیل شده است. در همین چارچوب، توصیه به اعراض از مستکبران، راهبردی برای بازیابی استقلال و تأمین امنیت جمعی منطقه تلقی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز با تأکید بر «برادری و خیرخواهی»، همچنان دست همکاری به سوی همسایگان دراز کرده، اما تحقق این همکاری را منوط به تصمیمی شجاعانه در فاصله گرفتن از وعده‌های فریبنده قدرت‌های سلطه‌گر می‌داند. اکنون، زمان انتخاب است. اکنون زمان آن است که با دیدن معجزه اقتدار اسلام، از استثمارگران اعراض کنند تا آغوش برادرانه ایران را در کنار خود حس نمایند.